

۱۴

حیرانِ اعجازت

قرآنِ پیامبرِ اہلبیت
عقل

مفتی مخدوم مفتی اسحاق حسین انصاریان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چهار نعمت

نویسنده:

حسین انصاریان

ناشر چاپی:

دارالعرفان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	چهار نعمت
۶	مشخصات کتاب
۶	سخن ناشر
۷	چهار نعمت برجسته معنوی
۷	نعمت عقل
۸	نعمت قرآن
۱۰	نعمت پیغمبر اسلام (ص)
۱۶	نعمت اهل بیت
۲۱	پاورقی
۲۴	درباره مرکز

سرشناسه: انصاریان حسین ۱۳۲۳ - عنوان و نام پدیدآور: چهار نعمت/تالیف حسین انصاریان؛ ویرایش و تحقیق مرکز تحقیقاتی دارالعرفان الشیعی. مشخصات نشر: قم: دارالعرفان، ۱۳۸۸. مشخصات ظاهری: ۳۴ص. ۲۱×۱۲س م. شابک: ۳۵۰۰ریال: ۹۶۴-۹۷۸-۲۹۳۹-۳۸-۱ وضعیت فهرست نویسی: فیفا موضوع: انصاریان، حسین، ۱۳۲۳ - -- وعظ موضوع: لطف الهی شناسه افزوده: انتشارات دارالعرفان رده بندی کنگره: BP۲۱۹/۱ الف ۳۸ج ۹ ۸۸۳۱ رده بندی دیویی: ۲۴/۷۹۲ شماره کتابشناسی ملی: ۴۷۵۸۴۹۱

سخن ناشر

آنچه انسان را در مسیر پر فراز و نشیب زندگانی از نابسامانی‌ها محفوظ می‌دارد و موجب سعادت و سرفرازی و سربلندی او در امتحانات الهی می‌شود، پژوهش پیرامون علوم الهی و معارف اسلامی و پوشاندن جامه عمل به دستورات بلند ربانی می‌باشد.

در این خصوص، دست یابی به حقیقت معارف الهی و آشنایی با جایگاه حساس و ویژه آن‌ها در حیات انسانی، ضروری احساس می‌شود.

مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان، در راستای اهداف الهی خود، این بار افزون بر استفاده از مطالب پربار و عالمانه دانشمند محقق حضرت استاد حسین انصاریان، با انتشار گلچینی از متن سخنرانی‌های معظم له، از بیان پر حرارت و جذاب سخنرانی‌های استاد نیز تشنگان معارف سراسر نور ائمه اطهار: را بی نصیب نگذاشته و بدون خارج ساختن متن سخنرانی از قالب گفتاری آن، باب دیگری را برای استفاده از معارف آل الله: و سیراب گشتن از این چشمه پرفیض باز نموده است.

امید که با عنایات خاص اهل بیت عصمت و طهارت: بیش از پیش بتوانیم از زمزم معارف آن ذوات مقدس سیراب

گردیم .

مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان الشیعی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلوه و السلام على سيد الانبياء و المرسلين حبيب الهنا وطيب نفوسنا ابي القاسم محمد صلى الله عليه
و على اهل بيته الطيبين الطاهرين المعصومين المكرمين

چهار نعمت برجسته معنوی

ما چهار نعمت برجسته معنوی داریم : عقل ، قرآن کریم ، وجود مبارک رسول خدا (ص) و ائمه طاهرين : . برای روشن کردن
هر کدام از این چهار نعمت ، لازم است آیه یا روایتی را ذکر کنم .

نعمت عقل

اما درباره نعمت عقل ، از وجود مبارک حضرت صادق (ع) در صفحه ۱۰ جلد اول اصول کافی نقل شده که پروردگار عالم
وقتی عقل را آفرید ، به عقل خطاب کرد ، موجودی را محبوب تر از تو نیافریدم ؛ یعنی احبّ خلق خدا در وجود تک تک ما
قرار داده شده ، و اگر بتوانیم این سرمایه عظیم معنوی را به طرز صحیح بکار بگیریم ، به طور یقین ، احبّ عباد خدا می شویم
. اگر ما همه عالم خلقت را به یک درخت تشبیه کنیم ، پر قیمت ترین و با ارزش ترین شاخه این درخت ، شاخه وجود انسان
است . چرا چنین است ؟ چون پر منفعت ترین میوه آفرینش را خدا در این شاخه قرار داد ، و با قرار دادن عقل در وجود ما ،
پروردگار عالم ما را گرامی داشت و احترام کرد و به ما ارزش داد . اهل دل وقتی آیه «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (۱) را می خوانند
تفسیر کنند ، در برابر این پرسش که بنی آدم به چه چیزی کرامت پیدا کرده است ، می گویند ، به عقل . چون این عقل ،
واسطه بین ما و بین همه حقایق عالم هست . بزنطی وقتی از حضرت رضا (ع) پرسید ، ما حقیقت را به چه وسیله ای درک
کنیم و به سراغ چه کسی برویم ؟ فرمودند : «الْعَقْلُ» ؛

با عقل است که می توانید خدا را بشناسید ؛ با عقل است که می توانید نبوت را بفهمید ؛ با عقل است که ولایت اولیای خدا را درک می کنید . امام صادق (ع) می فرماید : با عقل است که خدا عبادت می شود ؛ با عقل است که بهشت به دست می آید . تعطیل کردن عقل ، به معنای قطع رابطه با خدا ، قیامت ، انبیاء ، ائمه و قرآن مجید است . شما سوره مبارکه تبارک را بخوانید ، در آن خداوند از اهل جهنم خبر می دهد که روز قیامت از دوزخیان سؤال می کنند ، علت دوزخی شدن خودتان را بگویید . آن ها جواب می دهند : «لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ» . (۲) اگر ما ابزار شناخت را که یکی از آن ها گوش است ، درست به کار گرفته بودیم و اگر عقل را به میدان زندگی کشیده بودیم ، الان اهل این آتش برافروخته نبودیم .

نعمت قرآن

امّا درباره قرآن مجید ، از خود قرآن درباره قرآن بشنوید . این آیه در سوره مبارکه یونس است و چه آیه فوق العاده ای می باشد . این آیه شریفه ، اهداف قرآن را بیان می کند . اگر کسی تا حالا به این اهداف نرسیده ، ضرر سنگینی کرده است . اگر کسی به این اهداف نرسیده ، معنای آن این است که او هنوز دارد کنار شکم و شهوت درجا می زند . کسی که کنار شکم و شهوت درجا بزند ، نظر قرآن درباره او این است : «وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ» (۳) :

شکمی ها و شهوتی ها چون چهارپایانند ؛ یعنی هیچ ترقی ای ندارند و دوزخ هم جایگاه آن هاست .

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَ تَكْم مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ» (۴) قرآن مجید کتاب نصیحت و کتاب موعظه است . واعظ این موعظه کیست ؟ خداوند . دلسوزتر از این واعظ در عالم کیست ؟ هیچ کس . این یک هدف قرآن است . من اگر اهل شنیدن موعظه نباشم ، چه کسی هستم ؟ حکمای الهی می گویند ، موجودی به علاوه صفر . آیا من در این صورت ، در صفر می مانم و یا پایین تر هم می روم ؟ حکما می گویند ، نه . پایین تر هم تا بی نهایت صفر می روی تا جایی که انسانی که فراری از موعظه است ، این قدر پوچ می شود که پروردگار می گوید ، در قیامت برای سنجش اعمال او ، هیچ ترازویی برپا نمی کنم ؛ چون او هیچ چیزی نیست .

«وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ» (۵) : قرآن داروخانه پروردگار است و داروهای خوبی هم دارد . جایی دیگر ، داروهای سالم تر و مؤثرتری مانند این داروخانه را ندارد . به خدا قسم ، کسی که با قرآن در ارتباط باشد ، چون قرآن داروست ، حسود نیست ؛ کسی که با قرآن در ارتباط باشد ، حریص نیست ؛ بخیل نیست ؛ مغرور نیست ، سینه به عنوان من سپر نمی کند ؛ ریاکار نیست ؛ فاسد نیست ؛ ظالم نیست . مگر می شود آدمی آیات قرآن مجید را در کشور وجودش وارد کند و در این کشور این همه حیوان درنده مثل : حرص ، حسد

، بخل و کینه ، باز هم آن جا بمانند و جا خوش کنند .

پس وقتی آدم با قرآن معالجه بشود ؛ در عمرش به کسی شرّی نمی رساند و از سود رساندن هم دریغ نمی ورزد : «الْخَيْرُ مِنْهُ مَأْمُولٌ وَ الشَّرُّ مِنْهُ مَأْمُونٌ» (۶) ، اگر این گونه باشد : «وَ شِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ» (۷) ، قرآن حق دارد که درباره خود چنین بگوید که دارو است .

«وَ هُدًى» (۸) : و قرآن کریم راه خداست ؛ یعنی غیر قرآن و معلمین واقعی قرآن که پیغمبر (ص) و اهل بیتند ؛ کج راهه است ؛ ضلالت ، گمراهی و انحراف است . پس وقتی من موعظه قرآن را گوش دادم ، «مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى» (۹) ، و وقتی که با داروی قرآن کریم معالجه شدم و وقتی در راه خدا افتادم ، قرآن چنین می شود : «وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ» (۱۰) ، و من غرق رحمت الله می شوم .

نعمت پیغمبر اسلام (ص)

اما درباره نعمت پیغمبر اسلام (ص) باید بگویم ، اگر در دانمارک ، هلند و مراکز دیگر وجود افرادی که به پیغمبر اسلام (ص) توهین می کنند ، به نجاست های معنوی نجس نبود ، این چنین به آن حضرت توهین نمی کردند . برای این که عظمت پیغمبر (ص) را بدانید ، من فقط یک آیه را می خوانم . قرآن درست گفته است که اگر این آیات را بر کوه نازل می کردیم ، تحمل آن را نداشت : «لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَّرَأَيْنَهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ» (۱۱)

برادران و خواهران ! در قرآن مجید درباره شخصیت انسان آیه ای

سنگین تر و پروزن تر از آیه : «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ» (۱۲) هست ؟ کسی که در همه امور زندگی اش از پیغمبر من اطاعت کند ، از من اطاعت کرده است . آیا از این آیه ، آیه سنگین تری هم هست . این وزن شخصیتی پیغمبر است : «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ» ، و این وزن ، وزن خیلی بزرگی هست ؟ با پیغمبر توحید واقعی پخش شد ؛ با پیغمبر دیانت واقعی شناسانده شد ؛ با پیغمبر هست که مردم به عمق حقایق راه پیدا کردند .

در این سخنرانی برای من چندان فرصتی نیست تا ثابت کنم که تمدن فعلی جهان ، در تمام رشته های علمی و عملی اش ، مدیون وجود محمد بن عبدالله (ص) است ، حتی با سخنان خود دانشمندان اروپا . ای نمک به حرام های دانمارکی و هلندی ! ای نمک به حرام های کلیسایی و کنیسایی ! ای نمک به حرام های دانشگاه های دنیا ! ای نمک به حرام های کتمان کننده حقیقت که کتمان از گناهان کبیره بوده و باعث عذاب قیامت است ؛ چون حقیقت برای شما روشن است و منکر آن هستید ؛ آن را می دانید و پنهان می کنید ؛ شما اهالی بخشی از مردم اروپا ، قبل از پیغمبر اکرم (ص) در منطقه آتن ، محل نشو و نمای فلسفه ، دختر که شوهر می دادید ، اگر او در زایمان خود دختر می زایید ، او را در دادگاه محکوم به جریمه می کردید ، و اگر در سال دوم ازدواجش ، آن زن باز دختر می زایید ، دو برابر از او جریمه می گرفتید ، و در سال سوم اگر

چنین می شد، او را در میدان شهر اعدام می کردید. شما اروپایی ها! شما رومیان! همان ایتالیایی های امروز، قبل از بعثت پیغمبر (ص)، اگر زن درخانه مورد غضب شوهر قرار می گرفت، به کمک بچه ها آن زن را در دیگ روغن زیتون داغ می سوزانید تا آب بشود. شما آلمانی ها، انگلیسی ها و فرانسوی ها! ششصد سال پیش، هنوز نه شما دستشویی داشتید، و نه حمام. کتاب های ما که به آن طرف آمد، شما را آدم کرد. شما نمک به حرام ها! دولت های این طرف را با فتنه و با ترساندن غلام خودتان کردید و ما را از حرکت به وسیله دولت های مان بازداشتید. در این عالم، نمک به حرام تر از شما نیست.

شما و کیلتان در سخنرانی اش در مجلس عوام انگلستان، گفته است، اگر خدا، در مقابل جنایاتی که ما کردیم، هر چقدر که عذاب دارد، بر سر ما انگلیسی ها فرو بریزد، باز هم کم است. این اسرائیل فرزند انگلیس و زاییده شده آن است. شما ایرانی ها! قبل از بعثت پیغمبر (ص) مقدس ترین عنصر عالم پیش شما، آتش بود. هنوز منقل آتش پرست های استان یزد، بالای هزار سال روشن نگه داشته شده است. شما ایرانی ها! چیزی را مقدس ترین مقدمات می دانستید که با دستشویی یک بچه یک ماهه خاموش می شد. شما می دانید پیغمبر چه حقی بر شما دارد؟ به گفته قرآن: «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ» (۱۳)، وزن معنوی پیغمبر است. شما ایرانی ها! آن هایی که

تعصّب به ایران دارند !

آن هایی که تعصّب به فرهنگ ایرانی دارند ! در شاهنامه فردوسی قصه ای دارد که مربوط است به آن زمانی که هنوز پیغمبر (ص) مبعوث به رسالت نشده بود . این افراد باید بروند شاهنامه را بخزند . من خودم قسمتی از شاهنامه را خوانده ام . این قصه چنین است : انوشیروان با روم شرقی جنگ داشت و بودجه کم آورد . همین آدمی که به دروغ می گویند ، عادل بود . کدام عادل ؟ مگر قرآن مجید نمی گوید : «لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشُّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» . (۱۴) چطور ما با شرکش او را عادل هم بدانیم ؟ مگر چنین چیزی امکان دارد ؟ قبل از طلوع آفتاب رسالت ، دولت ایران با روم شرقی درگیر جنگ شد . بینابین جنگ ، دولت بودجه کم آورد . انوشیروان به نخست وزیرش گفت ، چکار کنیم ؟ وزیر گفت ، خزانه خالی است . انوشیروان گفت ، به شکست هم که نمی شود تن داد . فردوسی دارد این قصه را می گوید ؛ یعنی سه قرن بعد از انوشیروان ؛ یعنی کتاب شاهنامه ، نزدیک به زمان انوشیروان سروده شد . فردوسی می گوید ، در چنین زمانی پینه دوزی پیش نخست وزیر انوشیروان آمد و گفت ، من حاضرم کمبود بودجه جنگ را بدهم . نکته مهم این جاست ، پینه دوز گفت ، حاضرم کمبود بودجه جنگ را تأمین کنم ، البته ، در برابر این که انوشیروان اجازه دهد بچه من به مدرسه برود و درس بخواند . انوشیروان پیشنهاد پینه دوز را رد کرد و گفت ، در ایران تنها فرزندان چهار طایفه حقّ درس خواندن

دارند : شاهزادگان ، امیران ، موبدان و دبیران . من حاضرَم در این جنگ شکست بخورم و ننگ اجازه رفتن بچه پینه دوز به مدرسه را با خود به گور نبرم ؛ یعنی در کشور شما تحصیل علم ممنوع بود . این رسول خدا (ص) بود که آمد اعلام کرد : «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ» (۱۵) ؛ آمد اعلام کرد : در قیامت به اعمالتان بر اساس معرفت مزد می دهند ، نه بر اساس عمل صرف . پیغمبر (ص) چه خدمت بزرگی به جهان کرد . شما اروپایی ها قبل از بعثت پیغمبر (ص) در اتاقهایتان آخور داشتید ؛ خودتان چنین نوشتید ، و کنار همان آخور می آمدید و این قدر غذا می خوردید تا به استفراغ بيفتید . پیغمبر (ص) آمد و این آیه را از قرآن بر شما خواند : «وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا» (۱۶) ؛ طَبَّ را پیغمبر (ص) برای شما آورد ؛ علم را پیغمبر (ص) برای شما آورد ؛ تمدن را پیغمبر (ص) برای شما آورد . شما آدم نبودید . شما دستشویی نداشتید و در تمام اروپا آن روز می آمدید در بیرون خانه هایتان دستشویی می کردید . غرق در کثافت بودید . حالا حق نمک را دارید به جا می آورید .

این وزن معنوی این نعمت بود ، «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ .» (۱۷) البته ، این وزن معنوی پیامبر (ص) در همین دنیاست و در آخرت از این هم خیلی بالا-تر هست . طبق یکی از آیات سوره هود و یکی از آیات سوره فرقان که روایت مهمی در جلد دوم اصول کافی در باب فضل قرآن هر

دو آیه را معنا می کند ، پیغمبر (ص) می فرماید : در روز قیامت خدا اجازه سخن گفتن را به اولین و آخرین نمی دهد . برای همین ، ابتدای قیامت در سکوت سنگینی است : «يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلِّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ» . (۱۸) در قیامت به اولین کسی که خدا اجازه می دهد که سخن بگوید ، من هستم . من از جایم بلند می شوم و اولین سخنی که می گویم نه با همه مردم هست و نه با امتم ؛ بلکه تنها با خداست . اولین سخنم چنین هست . من به اجازه پروردگار ، با او سخن می گویم ، در حالی که با یک دستم قرآن مجید را بلند می کنم و با دست دیگرم ، دست علی ، زهرا ، حسن و حسین : را می گیرم و به پروردگار می گویم از امت من پیرس که بعد از مردن من ، با این دو چکار کردند ؟ می ایستم تا خدا جوابم را بدهد ؛ تا خدا از تک تک امتم پیرسد که با قرآن و با اهل بیت : من چه کردند . شماها که خوش به حالتان هست ! اگر خدا به شما بگوید که چکار کردید ، شما در دو و سه دقیقه جواب می دهید : خدایا ! ما به اندازه استعدادمان آیات مربوط به عبادات را عمل کردیم ؛ آیات مربوط به مال را عمل کردیم و به اندازه استعدادمان ، به امیرمؤمنان ، به ائمه طاهرین : ، به حضرت رضا (ع) ، به حضرت حسین (ع) اقتدا کردیم . شما وقتی چنین جواب بدهید و خدا هم آن را امضا کند ، پیغمبر (ص)

به فاطمه زهرا (س) فرموده: دست همه آن‌ها را در دستم می‌گذارم و هر جا که خدا من را ببرد، من هم آن‌ها را با خودم به آن جا می‌برم. اما زنان بی‌حجاب و بدحجاب چه می‌خواهند بکنند؟ و همین‌طور رباخوارها، عرق‌خورها، ظالم‌ها، مال‌مردم‌خورها، اختلاس‌کنندگان، دزدان و آدم‌کش‌ها، آدم‌ریاها، معتادها، فروشندگان موادمخدر و جاسوسان رابطه‌دار با کثیف‌ترین دشمنان چه می‌خواهند بکنند؟ آن‌ها در قیامت جواب خدا را نسبت به قرآن و اهل بیت: چه می‌خواهند بدهند؟

نعمت اهل بیت

و اما درباره نعمت اهل بیت:، من تنها روایتی را که می‌خواهم برای شما نقل کنم، روایتی است که همه بزرگان شیعه آن را نقل کردند و مشهورترین علمای اهل سنت هم آن را نقل کردند و چه روایتی است این روایت: «إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ» (۱۹): تا قیامت در دنیای شما طوفان است و از بالا و پایین علیه شما بلا می‌بارد. الان می‌بینید بیش از چند هزار ماهواره دارد بلا نازل می‌کند و آن هم بدترین بلا را. هدف آنان از آنچه این ماهواره‌ها به پایین می‌فرستند، والله نابود کردن دین است و هیچ هدف دیگری هم ندارند. هدفشان این نیست که شما را در لذت غرق کنند؛ بلکه می‌خواهند ریشه دین را بکنند؛ می‌خواهند قرآن را از ما بگیرند. این توطئه را، دیگر امثال ما با خبر شده ایم، اگر شما هنوز خبر دار نشده‌اید. در این چند ساله

اخیر ، امریکا و اسرائیل گفته اند ، ما برای ملت ایران به صورت ویژه ، اگر سه برنامه را پیاده کنیم ، آن ها نابودند ، نه نابود بدنی و نه نابود شهوانی ، بلکه نابود شخصیتی ، و دیگر با اجرای این برنامه ها ، به طور حتمی این ملت از بین می رود :

برنامه اول این است که رابطه آن ها را با حسین بن علی (ع) قطع کنند ؛ ولی این یکی را خیلی کور خواندید ؛ چرا ؟ چون از امام صادق (ع) نقل شده که : «مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِهِ الْخَيْرَ قَدَفَ فِي قَلْبِهِ حُبَّ الْحُسَيْنِ وَ حُبَّ زِيَارَتِهِ» (۲۰) : خدا اگر خیر کسی را بخواهد ، دلش را از محبت ابی عبدالله (ع) پر می کند . شما فکر می کنید ما در معامله با شما حسین بن علی (ع) را رها می کنیم ؟ قیمت حسین (ع) برای ما از همه عالم بیش تر است ؟ چقدر می خواهید به ما بدهید و ابی عبدالله (ع) را از ما بگیرید ؟

برنامه دوم این است که باید حرارت امید مردم ایران را نسبت به آینده با محوریت امام دوازدهم (عج) ، چنان سرد کنیم که به دنبال ظهور او نباشند .

برنامه سوم این است که رابطه مردم را با عالمان ربانی قطع کنیم . شما ببینید چقدر علیه حوزه ها و مرجعیت یاوه گویی می شود . چقدر این طوفان سنگین است ، سنگین تر از طوفان زمان نوح (ع) ، در زمان نوح (ع) تنها آبی از زمین و آسمان جوشید و همه را نابود کرد . الان هزاران آب لجن از بالا و پایین می جوشد . نجات از آن ، کشتی ای می خواهد

که ما بتوانیم با تمسک به آن ، نجات پیدا کنیم : «إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ . » (۲۱) هر کسی با اهل بیت : من زندگی کند ، نجات پیدا می کند ، و هر کسی جدای از اهل بیت : من بماند ، غرق می شود ، نه در آب : «وَلَا تَتَّبِعُوا السَّبِيلَ فَتَفْرَقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ» (۲۲) ؛ بلکه در هزاران آب لجن متعفن که یکی از آنها برای خفه کردن مردم دنیا بس است . خداوند چه لطفی به شما ملت ایران کرد . با این توطئه ، آیا در این روزگار ، بر پا کردن این مجالس واجب شرعی نیست ؟ آیا هر کسی بتواند برای یاری این مجالس هزینه کند ، هزینه کردن برای او واجب نیست ؟ آیا هر کسی بتواند تا نفس آخر برای این مردم فرهنگ قرآن و اهل بیت : را بگوید ، واجب نیست که برود و آن را بگوید . امروز واقعاً منبر و ذکر مصیبت مستحب است ؟

کشتی ایمان ز طوفان ایمن است

تا حسینش ناخدایی می کند

بارک الله ! سال بعد ، آمدن به حریم حضرت رضا (ع) را قوی تر کنید . بارک الله ! دست و روی تان را می بوسم ، ای بچه کوچک ها ! بچه شیرخواره ها ! پیرمردها ! قدخمیده ها ! عصا به دست ها ! جوان هایی که در سرما پیاده از صد کیلومتر و صد و پنجاه کیلومتر راه افتادید و بعد از چندین روز به مشهد رسیدید ؛ بیاید و پیاده هم بیاید تا آمریکا و اسرائیل ارادت ما را به اهل بیت : ببیند .

بیش تر گریه کنید تا دشمن ارادت ما را به اهل بیت : ببیند . من برای خودم نمی گویم ، از من دیگر گذشته است . گذرنامه من الاذن روی میز عزرائیل است . پیغمبر (ص) فرمود ، امت من بین شصت و هفتاد می میرند . حالا- از سنّ من تا رسیدن به هفتاد سال ، دیگر چهار و پنج سال بیش تر نمانده است . هفتاد سالگی به بعد ، دیگر امثال ما قاچاقی زنده ایم . ولی شما این گریه ها را حفظ کنید و با صدای بلند برای اهل بیت : گریه کنید . پیغمبر (ص) شما را می دیده که به خاطر آن به زهرا (س) گفت ، غصه حسینت را نخور . بساط حسینت تا قیامت برپاست ، قرن به قرن . فاطمه من ! مردان و زنانی می آیند که مانند کسی که جوانش مرده برای حسین گریه می کنند .

خدا رحمت کند مرحوم آیت الله العظمی حاج سید احمد خوانساری (ره) صاحب جامع المدارک را و درجاتش را عالی نماید . آن هایی که ایشان را می شناسند ، می دانند که او در رده علمای اعلم شیعه بودند . آن مرحوم در مدت بیست و پنج سالی که در مسجد سید عزیزالله تهران اقامه نماز می نمود ، هر وقت در محراب دستشان را بلند می کرد که تکبیره الاحرام بگوید ، دستش را کنار گوشش می برد و اول می گفت : السلام علیک یا ابا عبدالله (ع) ! بعد هم الله اکبر می گفت . یکی از دوستان من که کمی از من رویش بیش تر بود ، روزی آمد و کنار محراب به ایشان گفت ، آقا ! قبل از تکبیرها الاحرام ، سلام بر ابی عبدالله

(ع) وارد شده است؟ ایشان در جواب فرمود: این عمامه من، این محراب، این منبر، این مسجد، این قم و این مرجعیت، همه و همه، با حسین (ع) است که سرپا شده، پس دیگر وارد شده، یعنی چه؟

من برای خودم نمی گویم؛ چون از من گذشته است. من سی سال است که چشمم از جمعیت پر می باشد، ولی شما را به خدا این مجالس ارزشمند را تنها نگذارید؛ عالم ربانی را تنها نگذارید. مواظب باشید که چشمه چشمتان از گریه بر اهل بیت: کم نیاورد و خشک نشود. گریه خیلی مهم است و به وسوسه و وسوسه گران توجه نکنید. قرآن بخوانید: «تَرَىٰ أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ» (۲۳). قرآن می گوید که چشم بندگان حق شناس من، پر از اشک است. آن هایی که می گویند، گریه برای چیست، خودشان حیوان هستند؛ آن ها چشم ندارند؛ آن ها دل ندارند؛ آن ها قرآن را نمی فهمند.

گریه بر هر درد بی درمان دواست

چشم گریان چشمه فیض خداست

تا نگرید ابر، کی روید چمن

تا نگرید طفل، کی نوشد لبن

گر نگرید طفلک حلوا فروش

دیگ بخشایش کجا آید به جوش

بابای پسری مرده بود و او یتیم شده بود. شب مادرش به او گفت، بچه من! برای ما تنها چهار و پنج کیلو آرد، کمی روغن و کمی شکر مانده و بابایت چیز دیگری را برای ما نگذاشته است. من با این ها حلوا درست می کنم و تو آن را به بازار ببر

و بفروش تا از این راه خرجی ما دربیاید . صبح ، آن پسر دیگ حلوا را برای فروش به بازار برد . نه صبح بود ، کسی آن حلوا را نخرید . ده صبح شد ، باز کسی حلوایش را نخرید . دوازده ظهر هم شد ، باز آن را کسی نخرید . یک بعدازظهر هم اوضاع چنین بود . پسرک که دیگر طاقتش طاق شده بود ، زارزار شروع به گریه کردن کرد . مرد بازاری که آمد از کنار او رد شود ، وقتی او را در چنان حالی دید ، دلش سوخت و گفت : عزیز دلم ! چرا گریه می کنی ؟ پسر گفت : یتیمم و تمام سرمایه ما همین دیگ حلوا است . مادرم گفته است که آن را به بازار بیاورم و بفروشم تا با پولش بتوانیم زندگی مان را اداره کنیم . الان هم که آن را برای فروش به بازار آورده ام ، هیچ کس آن را از من نمی خرد . آن بازاری گفت : من همه آن حلوا را می خرم و فردا هم باز حلوا درست کن و به بازار بیاور که من آن را می خرم :

تا نگرید طفلک حلوافروش

دیگ بخشایش کجا آید به جوش

پاورقی

۱. اسری: ۷۰.

۲. ملک: ۱۰.

۳. محمّد: ۱۲.

۴. یونس: ۵۷.

۵. همان.

۶. دیلمی، إرشاد القلوب إلی الصواب، ج ۱، ص ۱۹۸.

۷. یونس: ۵۷.

۸. همان.

۹. همان.

۱۰. همان.

۱۱. حشر: ۲۱.

۱۲. نساء: ۸۰.

١٣. همان.

١٤. لقمان: ١٣.

١٥. ديلمى، إرشاد القلوب إلى الصواب، ج ١، ص ١٦٥.

١٦. اعراف: ٣١.

١٧. نساء: ٨٠.

١٨. هود: ١٠٥.

١٩. طبرسى، احتجاج، ج ٢، ص ٣٨٠ متقى هندی، كنز العمال، ج ١٢، ص ٩٨.

٢٠. ابن قولويه، كامل الزيارات، ص ١٤٢.

٢١. طبرسى، احتجاج، ج ٢، ص ٣٨٠ متقى هندی، كنز العمال، ج ١٢،

ص ٩٨.

٢٢. انعام: ١٥٣.

٢٣. مائده: ٨٣.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

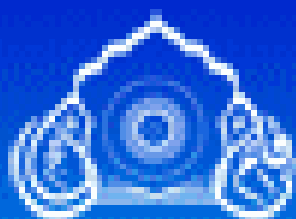
ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹